

بسم الله الرحمن الرحيم

دروس فی علم الاصول

للشهيد الصدر

الحلقة الثالثة

درس 61

استاد: حجت الاسلام و المسلمين علم الهدی

آموزشیار: آقای شم آبادی

مقدمه

در مباحث گذشته، تفصیل محقق کلباسی (ره) در موضوع حجیت ظهور مبنی بر حجیت ظواهری که ظن شخصی برای مکلف ایجاد می‌کند، یلن گردید. همچنین اشکال شیخ انصاری (ره) به محقق کلباسی، و دفاع از محقق کلباسی (ره) در برابر شیخ انصاری (ره) نیز مطرح شد. همچنین بیان شد که دو تعمیق، جهت تقویت اشکال شیخ انصاری (ره) بیان شده که یکی از تعمیق‌ها از سوی محقق نائینی (ره) بود که به تفصیل گذشت و تعمیق دوم، تعمیق خود شهید صدر (ره) است که در درس گذشته به آن اشاره شد و در این درس به تفصیل بیان خواهد شد. شهید صدر (ره) در صدد است تا با بیان تفاوت جوهری اغراض تشریعی و اغراض تکوینی، نکته تفاوت مناط حجیت ظهور را در آنها بیان کند. و از این طریق، صحت مدعای شیخ انصاری (ره) را مبنی بر اینکه سیره عقلا آن است که به ظواهر، با وجود ظن به خلاف نیز عمل می‌کنند، به اثبات برساند.

متن درس

بمعنى ان المولى حينما يلحظ ظواهر كلامه فتارة يلحظها بنظرة تفصيلية فيستطيع بذلك ان يميز بصورة جازمة ما أريد به ظاهره عن غيره لأنه الأعرف بمراده، و أخرى يلحظها بنظرة إجمالية، فيرى ان الغالب هو إرادة المعنى الظاهر، و ذلك يجعل الغلبة كاشفاً ظنياً عند المولى عن إرادة المعنى الظاهر بالنسبة إلى كل كلام صادر منه حينما يلحظه بنحو الإجمال، و هذا الكشف هو ملاك الحجية لوضوح ان حجية الأمانة حكم ظاهري وارد لحفظ الأغراض الواقعية الأكثر أهمية، و هذه الأهمية قد اكتسبتها الأغراض الواقعية التي تحفظها الأمانة المعتمدة بلحاظ قوة الاحتمال، كما تقدم في محله.

و من الواضح ان قوة الاحتمال المؤثرة في اهتمام المولى انما هي قوة احتماله، لا قوة احتمال المكلف. فمن هنا تناط الحجية بحيثية الكشف الملحوظة للمولى و هي الظهور لا بالظن الفعلي لدى المكلف، و على هذا الأساس اختلف مجال الأغراض التكوينية عن مجال علاقات الآمرين بالمأمورين، إذ المناطق في المجال الأول كاشفيتها الظهور لدى نفس العامل به فقد يكون منوطاً بحصول الظن له، و المناطق في المجال الثاني مقدار كشفه لدى الآمر الموجب لشدة اهتمامه الداعية إلى جعل الحجية.

یادآوری

سخن در تعمیقی بود که شهید صدر(ره) نسبت به اشکال شیخ انصاری(ره) به تفصیل محقق کلباسی (ره) انجام داده بود. نظر محقق کلباسی(ره) در موضوع حجیت ظهور این بود که مناط حجیت ظهور ظن شخصی است و اگر ظواهر، مفید ظن شخصی و فعلی به مراد متکلم نباشند حجت نیستند. مرحوم شیخ انصاری(ره) اشکال گرفتند که سیره عقلا بر خلاف نظر شماسست و حتی در مواردی که از ظاهر، ظن به مراد متکلم پیدا نمی شود نیز به آن عمل می کنند. عده ای به شیخ انصاری(ره) اشکال گرفتند که که سیره عقلا آنچنان که شما ادعا کرده اید نیست. مرحوم میرزای نائینی(ره) در دفاع از شیخ انصاری(ره) بیان کردند که در باب حجیت ظهور و عمل به ظواهر دو زمینه وجود دارد. در زمینه اغراض تکوینی، عقلا مناط حجیت ظهور را ظن فعلی و شخصی می دانند ولی در زمینه اغراض تشریعی، مناط را ظن نوعی و شأنی می دانند. آنچه را مرحوم شیخ انصاری(ره) به عنوان سیره عقلا مطرح کرده، در زمینه اغراض تشریعی است که به محل بحث مربوط می شود. البته در کلام شیخ انصاری(ره) به اغراض تشریعی اشاره ای نشده بود؛ ولی مرحوم نائینی آن را در عباراتشان به طور صریح آورده اند.

تعمیق شهید صدر(ره)

شهید صدر(ره) در دفاع از شیخ انصاری(ره) به فرق جوهری بین اغراض تکوینی و تشریعی می پردازند تا روشن کنند چه فرقی بین این دو عرصه وجود دارد. آیا مناط حجیت ظهور در آنها مختلف می شود؟ مناط و جوهره این تفاوت در چیست؟

سخن شهید صدر(ره) را ابتدا به صورت اجمالی و سپس به تفصیل بیان می کنیم.

بیان اجمالی تعمیق شهید صدر (ره)

خلاصه سخن شهید صدر(ره) این است که چون در اغراض تکوینی، شخص در مقابل کسی مسئولیت ندارد و این اغراض بر عهده خود مکلف است، به طور طبیعی ظن شخصی او ملاک و معیار خواهد بود. اما در عرصه اغراض تشریعی که حجیت ظهور به صورت یک حکم از سوی مولی تشریع می شود و مکلف باید در مقابل مولی پاسخگو باشد، معیار حجیت، ظن مولی خواهد بود نه ظن مکلف.

بیان تفصیلی تعمیق شهید صدر(ره)

ایشان در بیان تفاوت اغراض تشریعی و تکوینی می فرمایند: اگر فرض بگیریم که مولا خطاب به عبدش دستورهای متعددی صادر کرده باشد - مثلاً قرآن و سنت را فرض کنید که محتوای دستورهای شارع مقدس است و این دستورها مانند «اقم الصلوة، صل، خمّس و زکّ» حاوی تکالیف واقعی هستند - به دستورهای خود دو نوع نگاه می تواند داشته باشد؛ یک نگاه تفصیلی و یک نگاه اجمالی.

Sco1: 4:16

نگاه تفصیلی مولا به اوامرش

هر گاه مولا به دستورهای خود نگاه تفصیلی و تک به تک داشته باشد، می تواند به طور دقیق مشخص کند که در کدام یک از این دستورها و خطابات که داشته، معنای ظاهر را اراده کرده است و در کدام یک معنای خلاف ظاهر را؛ چرا که او به مراد خویش آشناتر است و به طور تفصیلی می تواند این شناخت را ارائه و تمییز قطعی را ایجاد کند.

نگاه اجمالی مولا به اوامرش

اگر مولا به خطاب های خود نگاه اجمالی داشته باشد و هر یک از دستوراتش را جداگانه لحاظ نکند بلکه مجموعه دستورات خود را بلیک نگاه کلان و اجمالی بنگرد، در این صورت می بیند که در غالب خطاب ها (هشتاد درصد) معنای ظاهر را اراده کرده و در مقدار کمی از خطاب ها (بسیرت درصد) معنای خلاف ظاهر را اراده کرده است.

پس مولا با نگاه تفصیلی، تمییز تفصیلی و قطعی حاصل می کند و با نگاه اجمالی، تمییز اجمالی و ظنی به دست می آورد؛ با این معیار که وقتی مولا نگاه اجمالی داشته باشد، با هر خطابی که مواجه می شود، یک ظن هشتاد درصدی پیدا می کند مبنی بر اینکه مراد او از این خطاب، ظاهر آن بوده است و این یک تمییز ظنی و گمانی بیش نیست.

معیار دست یابی به مراد مولا، حجیت ظواهر است

حال که روشن شد مولی به خطاب های خود دو نوع نگاه می تواند داشته باشد و تمییزی که در هر نوع نگاه حاصل می شود، با دیگری متفاوت است، اگر بخواهیم به مکلف، معیاری داده باشیم و او را راهنمایی کنیم که در مواجهه با این خطاب ها چگونه به مراد مولا راه پیدا کند چه باید کرد؟ در حال آن که مکلف ، شخصی است که از مراد مولا به تفصیل مطلع نیست و نمی تواند به نحو تفصیلی و قطعی بین مواردی که مولا ظاهر را اراده کرده و مواردی که ظاهر را اراده نکرده تمییز دهد.

اینجاست که خود مولا چنین می یابد که اگر ظاهر همه خطاب ها را برای مکلف حجت قرار دهد، این امر باعث می شود مکلف به هشتاد درصد از تکالیف و ملاک های واقعی دست پیدا کند؛ هر چند که بیست درصد از آنان را از دست خواهد داد؛ (چرا که طبق فرض مولا در بسیرت درصد، خلاف ظاهر را اراده کرده است)؛ بنابراین خود مولا برای اینکه هشتاد درصد از تکالیف و ملاک های واقعی از مکلف فوت نشود ، ظاهر را برای مکلف حجت قرار می دهد.

sco2: 8:12

مناط جعل حجیت، قوه احتمال است

نکته ای که در این قسمت بایع خوب به آن توجه داشت این است که مولا در واقع به معیار آن ظنی که در نگاه اجمالی به این خطاب ها بر اساس غلبه اراده ظاهر به دست آورد، حجیت را برای مکلف جعل کرد؛ یعنی مناط جعل حجیت برای مکلف توسط مولا، ظنی است که در نگاه اجمالی به ظواهر برای مولا حاصل

شد. چرا که او در نگاه اجمالی به این ظواهر، این ظن را به دست آورد که در غالب خطاباتش مراد او همان معنای ظاهر است، و بر همین اساس حجیت را برای مکلف جعل نمود.

به بیان دیگر از آنجا که ظهور، افاده ظن به مراد کرده و ظن به احتمال قوی گفته می‌شود، این قوت احتمال و قوت کشفی که ظن ارائه می‌کند، ملاک و معیار مولی برای جعل حجیت ظهورات است. بنابراین می‌توان گفت که مناط و معیار مولا برای جعل حجیت، قوه احتمال است.

تذکر: تعبیر «قوه احتمال» که در اینجا مطرح می‌شود، همان است که قبلاً در مباحث احکام ظاهری بیان کرده‌ایم. در آنجا گفتیم ملاک و معیار حجیت امارات، قوه احتمال است؛ یعنی ظنی که به شکل نوعی از این امارات به دست می‌آید و ظن به احتمال قوی گفته می‌شود. در مقابل، اصول عملیه است که احکام ظاهری هستند و مناط جعل آنها نوع محتمل است نه قوه احتمال.

نتیجه: گفتیم که مناط جعل حجیت برای ظواهر، ظن مولا است، پس خلاصه و نتیجه کلام این می‌شود که ظن یا عدم ظن مکلف، در جعل حجیت برای ظهورات هیچ دخالتی ندارد. مکلف در هر حال، مکلف است به ظواهر عمل کند چه از ظهورات، ظن فعلی به مراد مولا پیدا کند و چه ظن فعلی پیدا نکند. چرا که معیار حجیت ظواهر، ظن مولا است؛ ظنی که او در نگاه اجمالی خودش به دست می‌آورد؛ ظنی که اقتضائی و شأنی است نه تفصیلی و فعلی. از این جهت می‌گوییم معیار و مناط، این است که ظهور مفید ظن باشد؛ هر چند که این ظن برای مکلف حاصل نشود و برای او به فعلیت نرسد. پس بر همین اساس، تفصیل محقق کلباسی را نمی‌پذیریم.

Sco3: 26:4

چکیده

1. همه این درس، تعمیقی است که شهید صدر (ره) برای تقویت اشکال شیخ انصاری (ره) به تفصیل محقق کلباسی بیان می‌کند و در آن به فرق جوهری بین اغراض تکوینی و تشریعی می‌پردازد.
2. خلاصه تعمیق شهید صدر (ره): در اغراض تکوینی، چون شخص در مقابل کسی مسئولیت ندارد، ظن شخصی او ملاک و معیار است. ولا در اغراض تشریعی، چون مکلف باید در مقابل مولا پاسخگو باشد، معیار حجیت، ظن مولا است.
3. مولا به خطاب‌ها و دستورهای خود دو نوع نگاه می‌تواند داشته باشد: نگاه تفصیلی و نگاه اجمالی.
4. نگاه تفصیلی یعنی مولا هر یک از دستورهای خود را تک به تک لحاظ کند. در این نگاه، او می‌تواند به طور دقیق مشخص کند که در کدامیک از دستورهای خود معنای ظاهر را اراده کرده و در کدامیک معنای غیر ظاهر را.
5. نگاه اجمالی یعنی مولا همه دستورهای خود را به صورت یک مجموعه لحاظ کرده و آنها را با یک نگاه کلان و اجمالی بنگرد.
6. در نگاه اجمالی، مولا چنین در می‌یابد که در غالب دستورهایش معنای ظاهر و در تعداد کمی معنای خلاف ظاهر را اراده کرده است.
7. پس مولا با نگاه تفصیلی، تمیز تفصیلی و قطعی، و با نگاه اجمالی، تمیز اجمالی و ظنی به دست می‌آورد.
8. مولا برای این که عبد بتواند مراد مولا را از خطاب‌هایش تحصیل کند، ظواهر را حجت قرار می‌دهد؛ چرا که در می‌یابد که در این صورت، مکلف به هشتاد درصد از تکالیف واقعی دست پیدا خواهد کرد.
9. مناط جعل حجیت ظواهر برای مکلف، ظنی است که در نگاه اجمالی به ظواهر، برای مولا حاصل می‌شود. و به تعبیر دیگر مناط، قوه احتمال است؛ در مقابل، اصول عملیه است که مناط جعل آنها نوع محتمل است.
10. چون مناط جعل حجیت، ظن مولی است، ظن یا عدم ظن فعلی مکلف، در ج‌عل حجیت برای ظواهر هیچ نقشی ندارد؛ بنابراین تفصیل محقق کلباسی نادرست است.